

آینده اردوغان



آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها اقدامات دولت اردوغان در حوزه اقتصادی که در عین حال منافع سرشاری هم برای روسیه و ایران در پی داشت را برنمی‌تابند و این موضوع اردوغان را به یک «عنصر نامطلوب» برای آنان تبدیل کرده است.

به گزارش آران نیوز؛ روزنامه «کیهان» در سرمقاله شماره امروز خود نوشت:

با وجود آن که نزدیک به دو هفته از کودتای - جمعه 24 تیر ماه - می‌گذرد، هنوز تحولات ترکیه در کانون خبری محافل سیاسی و رسانه‌ها قرار دارد و از این رو به نظر می‌آید آنچه علی‌الظاهر به آن در حدود ساعت 4 صبح روز شنبه - به وقت آنکارا - نقطه پایان گذاشته شد، پیامدها و تداوم‌هایی دارد که با آنها باید شرایط پیش‌رو را تحلیل کرد. در این میان چند نکته اساسی وجود دارد:

1- کودتا در داخل ترکیه دو طرف بالنسبه قدرتمند داشت که اگر چه نتوانستند طراحی انجام شده را به پایان برسانند و شکست خوردند، اما کماکان در جامعه ترکیه حضور دارند و اردوغان و حزب او به‌رغم غلبه بر آنان، نمی‌توانند حضور پیرنگشان را در جامعه ترکیه نادیده بگیرند. ارتش ترکیه - که ترکیبی از حدود 300 هزار نیروی نظامی بوده و در بطن ناتو به‌عنوان قدرت چهارم شناخته می‌شود - کماکان به عنوان یک نهاد قدرتمند باقی می‌ماند. ارتش بعد از کودتا تا حدی تضعیف می‌شود و امکان پاره‌ای جابه‌جایی‌های مدیریت شده توسط اردوغان تا حدی چهره جدیدی به ارتش می‌دهد اما در عین حال بنا به آنچه مشاهده می‌شود، اردوغان در نهایت قادر نیست تحول عمده‌ای در ترکیب یک ارتش 300 هزار نفره ایجاد نماید با این وصف می‌توان گفت ارتش زخم‌خورده و عصبانی از تحقیرهایی که پس از کودتا بر آن تحمیل شده است، بعد از مدتی به حالت عادی خود بازمی‌گردد و گستره حضور جغرافیایی آن - از شهرها تا مرزها - امکان تحرک ویژه‌ای به آن می‌دهد. در عین حال اتصال ارتش به ناتو و پایگاه هوایی اینجریلیک سبب می‌شود تا ارتش کماکان خطوط فاصله خود با دولت و شخص اردوغان را حفظ نماید.

یک طرف دیگر ماجرا «فتح‌الله گولن» است. گولن در عین اینکه نماینده یک اسلام غرب‌گراست و در عین اینکه در بین توده‌های متدین و انقلابی ترکیه جایگاهی ندارد، اما به دلیل وسعت و کارآمدی نهادهای آموزشی، بهداشتی و خدماتی که در اختیار دارد و توانسته است یک پوشش فراگیر شهری و روستایی ایجاد نماید، به‌رغم شکست در کودتا و مواجه شدن با اخراج هوادارانش در سیستم قضایی و... ترکیه، در صحنه اجتماعی ترکیه حضور خواهد داشت. فتح‌الله گولن تبلیغ‌کننده نوعی عرفان روشنفکری است که وفادار به متون اسلامی نیست و شریعتی را تبلیغ می‌کند که پایبندی به احکام اسلام در آن ضرورت ندارد و تکلیف دینی به خود انسان و تصوراتی که از دین دارد، باز می‌گردد. مشابه چنین «شریعت آسان»ی! در ایران از سوی تیپ‌های روشنفکری نظیر عبدالکریم سروش تبلیغ شده است. نوع تفکر گولن سبب شده است تا سازمان جاسوسی سیا آن را راه حل آمریکا در جهان اسلام تلقی کند و بعد از 22 بهمن 57، آن را مهمترین سد دفاعی غرب در مقابل انقلاب امام خمینی- قدس سره- به حساب آورد. به هر حال به دلیل خدمات اجتماعی هدفمندی که تیم گسترده گولن در ترکیه انجام داده و هم به دلیل پشتیبانی فراوانی که غربی‌ها و بخصوص آمریکایی‌ها از او خواهند داشت، نیروهای سازمان‌یافته گولنیست کماکان در صحنه سیاسی و اجتماعی ترکیه فعال خواهند بود و این- یعنی تداوم نسبی قدرت ارتش و گولن- برای اردوغان دردسرساز خواهد بود.

2- غرب بنا به دلایلی اردوغان و سیاست‌های او را نمی‌پسندد. از یک طرف غرب و بخصوص آمریکا یک کشور قدرتمند اسلامی و ملتی که با یک نفر دیده شوند را برنمی‌تابند و از این رو اگرچه اردوغان در طول دوره 14 ساله زمامداری‌اش خدمات مهمی به غرب و رژیم صهیونیستی داشته است اما در همان حال وجود یک تخفیف نسبتا کاریزما و هژمونیک را برای سیاست‌های خود خطرآفرین ارزیابی می‌کنند. از طرف دیگر غربی‌ها در ارزیابی دلایل شکست تحریم‌های گسترده اقتصادی غرب علیه ایران، ترکیه را یک «مقصر مهم» ارزیابی می‌کنند. واقعیت هم این است که رفتار ترکیه در دوره‌ای که فشار تحریم‌ها علیه ایران سخت و سخت‌تر می‌شد، با سیاست‌های غرب علیه ایران هماهنگ نبود. البته ترکیه اردوغان نه به خاطر ایران بلکه به دلیل فرصت‌طلبی و نیازی که در حوزه اقتصادی داشت و طبع تاجران‌بانه ترکیه و اردوغان تا آنجا که می‌توانست داربست‌های تحریم غرب را نادیده گرفت و از این راه سودهای هنگفتی هم بدست آورد.

اگر میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ترکیه در زمان 5-6 ساله‌ای که بحران اقتصادی، گلوئی غرب را به شدت می‌فشرد، مقایسه‌ای صورت دهیم، در می‌یابیم که ترکیه از کشورهایی نظیر ایتالیا، یونان، اسپانیا و... وضع بهتری داشت و با هزینه‌های کمتری از این بحران عبور کرد و حال آنکه اقتصاد ترکیه اتصالات محکمی با اقتصاد اروپا داشت. در این دوران- 2004 تا 2011- اردوغان توانست با در پیش گرفتن سیاست صفر کردن مشکلات با همسایگان، سود هنگفتی از روسیه و ایران و هم‌پیمانان این دو بدست آورد. گفته می‌شود متوسط سهم روسیه در صنعت توریسم ترکیه در این دوران 37 درصد بوده است و سهم معیانات گازی ایران در بازار ترانزیت ترکیه هم به حدود نیمی از تجارت ترکیه جان داده است. آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها اقدامات دولت اردوغان در حوزه اقتصادی که در عین حال منافع سرشاری هم برای روسیه و ایران در پی داشت را برنمی‌تابند و این موضوع اردوغان را به یک «عنصر نامطلوب» برای آنان تبدیل کرده است. از این رو به نظر می‌آید علیرغم شکست کودتا و سیاست دفع فوری اردوغان، غربی‌ها خط کنار گذاشتن اردوغان- و اگر بشود کنار زدن حزب عدالت و توسعه- را بعد از شکست کودتا نیز دنبال خواهند کرد. به همین دلیل هم در روزهای اخیر شاهد بودیم که اردوغان تلاش زیادی کرد تا از غرب دلجویی کند و براین اساس هم، نخست‌وزیر ترکیه بیلدریم که پیش از کودتا از امکان بازسازی روابط آنکارا- دمشق صحبت کرده بود، پس از کودتا بار دیگر از ضرورت کنار رفتن رئیس‌جمهور سوریه حرف زد! آزادسازی بخشی از نظامیان دستگیر شده و متوقف شدن ماشین انتقادات اردوغان نسبت به غرب نیز در این راستا صورت گرفت که البته بازتاب قابل توجهی در غرب نداشت و به افزایش سهم‌خواهی آمریکا و اروپا از ترکیه نیز تبدیل شد. با این وصف می‌توان گفت موقعیت اردوغان که با تضعیف رقبای داخلی او تا حدودی تثبیت شد اما در همان حال آن اراده‌ای که کودتای 24 تیرماه را شکل داد، هنوز روی لزوم برکناری اردوغان تمرکز دارد.

3- گفته می‌شود، تغییرات در ترکیه که در حال حاضر در دستان رجب طیب اردوغان قرار دارد، برای مدتی طولانی در دستان او باقی نمی‌ماند. این روزها اردوغان آن قدر دچار کیش شخصیت شده است که وقتی از نقش تاثیرگذار عبدالله گل و احمد داوود اوغلو در شکست کودتا سخن به میان آمد واکنش نشان داد و گفت: فقط خدا در خنثی‌سازی کودتا نقش داشته است! این به آن معناست که سیاست واگرایی اردوغان که باعث مخالفت‌های زیادی حتی از درون حزب عدالت و توسعه شده بود، بر اثر وضعی که پس‌از کودتا پیش آمده، تشدید هم شده است. این مسئله اردوغان را به زودی درگیر انواعی از مشکلات جدید و قدیم خواهد کرد. اردوغان با این ارتش که زخم عمیقی برداشته است قادر به مقابله موثر با جدایی‌طلبان کرد ترکیه نیست و دامنه مشکلات دولت را در حوزه کردی افزایش می‌دهد. کما اینکه نقش حسادت‌برانگیز اردوغان در صحنه سیاسی، احزاب رقیب و مخالف را بی‌تاب کرده و علیه او وارد میدان خواهد کرد. همین الان هم زمزمه اقدامات گسترده احزاب علیه اردوغان به گوش می‌رسد. بنابراین می‌توان گفت اگرچه اردوغان در فضای داخلی به نسبت قبل فضای بهتری خواهد داشت ولی حداقل در دو حوزه امنیتی و احزاب کار اردوغان تا حد زیادی پیچیده‌تر خواهد شد.

4- اگر اردوغان عاقل باشد باید هم در مقابل فشارهای فزاینده اروپا و آمریکا و هم در مواجهه با تهدیدات فزاینده امنیتی به طور واقعی به سمت ایران بیاید و با اتصال بیشتر به

کشوری باثبات، موقعیت کشورش را از بی‌ثباتی خارج سازد اما با توجه به روحیات و نگرانی‌هایی که اردوغان دارد و روانشناسی شبه اخوانی اردوغان به نظر نمی‌آید او در این شرایط الزاما عاقلانه عمل کند اما در عین حال تردیدی در این نیست که اردوغان و دولت ترکیه حفظ و توسعه نسبی روابط با تهران را از نظر دور نخواهد کرد، اما به نظر می‌آید او بیش از آنکه به برقراری «رابطه استراتژیک» با تهران بیندیشد، به استفاده از کارت ایران برای مهار فشار آمریکا، اروپا و عربستان نگاه می‌کند و این دایره‌ای از عملیات تازه دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی را روبروی ما می‌گشاید و ما می‌توانیم بطور نسبتا محدود از شرایط جدید برای تثبیت موقعیت جبهه مقاومت، به خصوص در سوریه استفاده کنیم.

سعدالله زارع